

## Predigt Sajjad Taghidoust: 1. Petrus 1,13-21 am 3.3.24 in der Kreuzkirche Bremerhaven

قرائت اول پطرس به سؤالات مهم بسیاری در مورد ایمان ما می پردازد. چرا و خدا به ما چه داد؟ چرا گفته می شود که خدا قبل از خلقت برای مسیح نقشه ای داشت؟ ترک گناهان گذشته به چه معناست؟ پاک و مقدس بودن یعنی چه؟ قوم مقدس خدا چه کسانی هستند؟

قبل از پاسخ به این سؤالات در مورد اول پطرس، می خواهم به کتاب پیدایش اشاره کنم. در آنجا از اولین آفرینش 2. انسان می گوید که چگونه آدم و حوا خود را در حالت گناه یافتند. در نتیجه، لیاقت بهشت را از دست دادند و به جایی رسیدند که خود را متناسب با مرتبه خود می دیدند: در زمین که محل تربیت و آزمایش مردم بود.

این بدان معنا نیست که انسان مخلوق خدا نسبت به او بی تفاوت است. خداوندی که انسان را با تمام عشق و محبت 3. آفریده و برای او جاودانگی برنامه و هدفی دارد، هرگز انسان را رها نکرده است. انسان مانند کودکی بود که نیاز به تربیت داشت و هدف آفرینش و زندگی را درک می کرد. این کودک ابتدا معنی عشق، محبت و اخلاق را می آموزد. هرگز نمی توانید یک کودک 5 ساله را مستقیماً به دانشگاه بفرستید و از او بخواهید که متون دروس دانشگاه را بخواند و بفهمد. مردم به آموزش و درک نیاز دارند.

پس خداوند بر اساس تدبیر خود با مردم رفتار می کند. در طول تاریخ، خدا با کمک مردم شروع به آموزش کرد تا 4. خود را به مردم بشناساند. او در جاهایی که لازم بود معجزات مختلفی را به مردم نشان می داد و مجازات هایی را برای آنها وضع می کرد. در جاهای دیگر با کمک انبیا با آنها صحبت می کرد تا خود و خدای خود را بشناسند و هدف خلقت، هدف محبت و محبت خداوند را دریابند.

خداوند در زمان مناسب نقشه اولیه خود را اجرا کرد. انسان باید از حالت گناه خود خارج می شد و به راه راست 5. خود که هدف خلقت خداوند بود باز می گشت. این مسیر زمانی امکان پذیر شد که خود خداوند وارد زمین شد.

خدای پدر، عیسی مسیح را فرستاد: همان شخصی که آمدنش در تمام کتب باستانی پیشگویی شده بود. کسی که گفتار 6. و رفتار و حتی معجزاتش با پیامبران فرق داشت. نمونه ای مانند او در تاریخ یافت نمی شود. چرا او آمد؟ نقشه اش چه بود؟

پطرس یکی از وفادارترین و نزدیکترین یاران عیسی بود. اما وقتی عیسی دستگیر شد، پطرس سه بار در یک روز 7. عیسی را انکار کرد. هنگامی که عیسی پس از مصلوب شدن از مردگان برخاست و نزد یاران خود بازگشت، پطرس بسیار شرمند شد که نمی توانست به این آزمایش افتخار کند. پطرس فکر کرد که عیسی بر او خشمگین می شود و می گوید: تو مرا فریب دادی و لیاقت شاگردی من را نداری. اما عیسی به او چه گفت؟ عیسی از او پرسید: پطرس، آیا مرا دوست داری؟ او این سوال را سه بار از او پرسید و هر سه بار پیتر پاسخ داد: "بله، تو خود قلب من را می دانی و می دانی که چقدر تو را دوست دارم." سپس عیسی گفت: "اگر مرا دوست دارید، مراقب ایماندارانم باشید" (یوحنا 17:21)

دوستان من، ما اغلب در زندگی دچار گناه می شویم و فکر می کنیم که راه برگشتی نیست. فکر می کنیم همه درها 8. به روی ما بسته شده و در تاریکی فرو رفته ایم. وقتی عیسی آمد تا ما را نجات دهد، آمد تا ما را از گناه نجات دهد، آمد تا مردگان را زنده کند، نه برای کشتن. او آمد تا بینایی را به مردم بازگرداند، آمد تا چشمان ما را باز کند تا حقیقت را آشکار کنیم.

عیسی آمد تا دوستان ما را بگیرد. او به سراغ مردم آزاد آمد، نه اینکه کسی را به جرم آزادی خواهی به دار 9. آویخت. او نه برای مجازات، بلکه برای بخشش آمد. در پای صلیب، عیسی به خدا می گوید: «ای پدر، این افرادی را که مرا عذاب می دهند، ببخش، زیرا نمی دانند چه می کنند.» (لوقا 23:34 الف)

عیسی در کتاب مقدس می گوید: من برای خدمت آمدم نه برای اینکه دیگران به من خدمت کنند. او به شاگردانش 10. می گوید که تمام قدرت دنیا به او داده شده است و می تواند بر مرگ، بیماری و نیروهای طبیعت غلبه کند. در همان لحظه حوله ای به کمر خود می بندد و می گوید: «شاگرد بالاتر از استادش نیست و غلام بالاتر از استادش نیست (یوحنا 13:16) این بزرگترین درسی است که عیسی به شاگردانش داد. درس فروتنی

وقتی مسیح را بر روی صلیب می بینیم، ایمان درونی ما به مسیح باعث می شود مشکل اصلی ما یعنی گناه ناپدید 11. شود. وقتی این اتفاق می افتد، شروع یک زندگی جدید در درون ماست. این یک رویداد بزرگ و زیبا از ارتباط با خدا است. وقتی خدا می خواست نزد آدم و حوا بیاید و با مردم زندگی کند، نتوانست این کار را انجام دهد، زیرا گناه در ما

بود و خدا نمی توانست با ما گناهکاران سازگار باشد. اما وقتی گناه توسط صلیب نابود می شود، خدا می آید و با ما و در ما زندگی می کند.

یک لحظه فکر کنید. اگر درست باشد که خدا در من و با من است، چقدر عالی و زیباست! به این فکر کنید: وقتی 12. یک فرد بزرگ به خانه شما می آید، شخصی مانند یک رهبر یا رئیس جمهور بزرگ در خانه شما زندگی می کند، رفتار و همراهی او با او می تواند زندگی، آینده و اهداف زندگی شما را تغییر دهد. حال اگر باور داشته باشیم که خداوند در هر لحظه از زندگی ما با ما زندگی می کند، باید کل آینده و اهداف ما را تغییر دهد.

آیا برای ما مهم است که چگونه باور کرده ایم و این باور از کجا آمده است یا فقط یک توهم است؟ قدرت مسیحیت 13. برای ما مهم است. صلیب پوشیدن و گفتن ما مسیحی و رفتن به کلیسا هر هفته. در نهایت، برای رسیدن به ایمان، باید یک سری آزمایشات سخت را پشت سر بگذاریم که برای ما آسان نیست.

در ابتدای خطبه خود از اولیای الهی یاد کردم. خدا می گوید شما قوم مقدس من هستید. بعضی ها فکر می کنند 14. وقتی انسان مسیحی شد و پاک و مقدس شد، دیگر گناه نمی کند. و ما فکر می کنیم: اگر مسیحی گناه کند، دیگر مقدس نیست. ما اغلب تلاش می کنیم که مقدس بمانیم و گناه نکنیم و در این راه اغلب دچار ناامیدی می شویم.

زیرا ما در دنیایی گناه آلود زندگی می کنیم و خود انسان نیز طبیعت گناه آلود دارد و شیطان سعی می کند انسان را 15. فریب دهد. بسیاری از مؤمنان سعی می کنند تا احکامی را اجرا کنند و از این طریق کار را برای خود سخت کرده و از جامعه و مردم فاصله بگیرند تا پاک و قداست بمانند. به نظر من این درست نیست. کلمه مقدس به معنای خوانده شده و برگزیده است. خداوند شما را انتخاب می کند و شما را به کار بزرگ خود فرا می خواند و خودش می داند چگونه در زمان مناسب شما را در مسیر درست زندگی قرار دهد.

همه شما که اینجا هستید از طرف خدا انتخاب شده اید. خدا گفت این خودش است که تو را تغییر خواهد داد. از 16. طریق ایمان خود به مسیح، شما بخشی از قوم مقدس من شده اید. و تو فرزند منی و من خدا هستم که تو را تغییر خواهم داد. خداوند ما را فرا خوانده و از میان گناهان و گناهکاران برگزیده است تا قوم خاص او شویم و راه نجات او را بشناسیم.

روح خدا چگونه می تواند ما را تغییر دهد؟ هنگامی که شخصی قلب خود را به مسیح می دهد، روح خدا در او 17. ساکن می شود. اولین کاری که روح در مسیحی انجام می دهد این است که او را نسبت به گناه حساس کند. یک قدم به عقب برمی داریم و فکر می کنیم. وقتی به گذشته خود فکر می کنیم، متوجه می شویم که چه گناهایی در زندگی خود مرتکب شده ایم. پس وقتی روح خدا در شما ساکن شد، اشتباهات و گناهان خود را تشخیص داده و توبه خواهید کرد.

پس از شناخت گناه و توبه، ایمان پدید می آید. این باور تأثیر روح القدس در قلب شماست. دعای پولس برای 18. افسسیانی که بسیار وفادار بودند این بود: دعا می کنم که حکمت و مکاشفه را دوباره به دست آورید. اگر چه افسسیان در ایمان رشد کرده بودند، پولس می گوید که دانش خدا پایانی ندارد، مهم نیست که چقدر این حکمت بزرگ باشد. ما باید پیوسته در مکاشفه رشد کنیم، زیرا باید بدانیم این خدایی که دستان خود را به سوی او بلند می کنیم و در سرودهای خود پیوسته دعا می کنیم، کیست.

خداوند در کتاب اول سموئیل، فصل 13، توصیف بسیار زیبایی از داوود داده است. خدا می گوید داوود فردی 19. است که با قلب من موافق است. خدا این توصیف را از او در زمانی که داوود هنوز خدا را خدمت نکرده بود، هنوز توسط خدا آزمایش نشده بود و هنوز پادشاه اسرائیل نشده بود، داد. او یک چوپان جوان در بیابان بود و نمی دانست چه سرنوشتی در انتظارش است.

گاهی ممکن است فکر کنیم که باید سالها تلاش کنیم و خدمت کنیم تا در پیشگاه خداوند به رسمیت برسیم. از سوی 20. دیگر، داوود در نظر خدا فقط یک چیز را در نظر داشت و آن این بود که قلب خود را به خدا بسپارد و خداوند از قلب داوود آگاه بود. دعا می کنم دل همه مومنان به خدا نزدیک شود و آنچه خدا می خواهد برای ما انجام شود نه آن چیزی که با عقل زمینی دنبال می کنیم.

دوستان من، خداوند انسان را با محبت آفرید و با محبت پدران خود ما را راهنمایی می کند. در بسیاری از 21. موقعیت های زندگی مان می توانیم نشانه هایی از محبت او را در قلب خود پیدا کنیم. با حمایت عشق او می توانیم راه خود را در زندگی ادامه دهیم. آمین